

استفانی کرونین

ارتش و حکومت پهلوی

غلامرضا علی بابایی



انتشارات مجلس

۱۳۹۸

فهرست

| | |
|-----|--|
| ۷ | یادداشت مترجم..... |
| ۱۳ | قدردانی..... |
| ۱۵ | مقدمه..... |
| ۴۱ | ۱. ژاندارمری دولتی در سالهای ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۹ ش..... |
| ۱۰۱ | ۲. قزاق‌ها در سالهای ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۹ ش..... |
| ۱۵۸ | ۳. استیلای قزاق، از ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۰ ش..... |
| ۱۸۶ | ۴. تأسیس ارتش نوین در سالهای ۱۳۰۰ ش تا ۱۳۰۵..... |
| | ۵. ناخشنودی و مخالفت سیاسی در ارتش |
| ۲۴۱ | نوین در سالهای ۱۳۰۰ ش تا ۱۳۰۵..... |
| ۲۹۹ | ۶. روابط مقامات کشوری و لشکری، ۱۲۹۹ ش تا ۱۳۰۵..... |
| ۳۵۹ | نتیجه‌گیری..... |
| ۳۷۹ | پیوست‌ها..... |
| ۴۳۵ | کتابنامه..... |
| ۴۶۵ | نمایه..... |



ژاندارمری دولتی در سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۹ ش

چگونگی تشکیل و سال‌های نخستین

تأسیس ژاندارمری دولتی با تصویب مجلس دوم (۱۲۸۸-۱۲۹۰ ش) اقدام مهمی بود که در دوران مشروطیت به دست دولت ایران (برای ایجاد نوعی سازمان قدرتمند جدید و در عین حال ملی که به‌طور تمام و کمال در برابر دولت پاسخگوی باشد) صورت گرفت. اقدام مزبور در واقع به مثابه پایدارترین طرح از سلسله طرح‌هایی بود که برای نوسازی نیروهای مسلح به ریاست افسران خارجی انجام می‌گرفت. چنین طرح و برنامه‌هایی در اوایل قرن نوزدهم زیر نظر عباس میرزا، ولیعهد و والی آذربایجان آغاز شد و در تمام طول این قرن با حضور هیئت‌های نظامی از کشورهای مختلف اروپایی ادامه یافت، ولی همه این تلاش‌ها با ناکامی مواجه شد. پیش از شروع قرن بیستم، بریگاد [تیپ] قزاق یکپارچه‌ترین نیروی نظامی موجود بود که اصلاح‌طلبان ایرانی با بدگمانی عمیق و مداوم به آن می‌نگریستند.

در سال‌های اولیه دوره مشروطیت وجود یک نیروی متمرکز و کارآمد نظامی لازم بود تا بتواند مشروعیت دولت مرکزی را در سرتاسر ایران به اثبات برساند. انجام اصلاحات سیاسی و تجدید حیات دولت ایران، وابستگی شدیدی به این موضوع داشت که مجلس یک نیروی مسلح و

قدرتمند داشته باشد تا بتواند قوانین مجلس را به اجرا درآورد. به همان ترتیب نیز نوسازی ارتش بستگی به موجودی خزانه داشت، بنابراین می‌بایست مالیات‌ها و وصول و از کسب و کار حمایت می‌شد. با برقراری حکومت مشروطه در سال‌های ۱۲۸۴-۱۲۸۵ ش / ۱۹۰۵-۱۹۰۶، درخواست‌ها برای تأسیس یک ارتش ملی از اهمیت تازه‌ای برخوردار شد و پیشنهاد‌های متعددی درخصوص انجام اصلاحاتی در نیروی نظامی در مجلس [شورای ملی] مطرح شد. بحث‌های اولیه به نتایج واقعی نرسید ولی تحولات دوره مشروطیت باعث شد تا مشکلات ناشی از نبود یک «نیروی مسلح قابل اعتماد» بیش از پیش نمایان شود. بریگاد قزاق با به توپ بستن و انحلال مجلس در سال ۱۲۸۷ ش، مخالفت شدید خود را با نظام مشروطیت اعلام کرده بود و حکومتی که در سال ۱۲۸۸ ش، [با پادشاهی احمدشاه] بر سر کار آمد، خود را فاقد یک ارتش یکپارچه یافت؛ زیرا آن ارتش متکی بر ترکیبی از نیروی نظامی سنتی، افراد قبایل بختیاری و ارتش وارداتی (انقلابیون قفقاز تحت رهبری یفرم‌خان ارمنی) بود. افزون بر آن، حوادث سه سال گذشته به اعمال قدرت دولت مرکزی در سراسر ایران خدشه وارد ساخته و تسلط دولت مرکزی را بر ایالات تضعیف کرده بود. این حوادث منجر به افزایش برخوردهای قبیله‌ای شده و در کار تجارت نیز خلل وارد ساخته و خزانه کشور را که در امر پرداخت دیون عاجز مانده بود، در آستانه ورشکستگی قرار داده بود.^[۱]

همچنین افزایش آگاهی عموم مردم نسبت به ایجاد نیروی نظامی کارآمدی که بتواند امنیت کشور را برقرار نماید، دولت وقت ایران را از جهت دیگری نیز تحت فشار فزاینده برای انجام این مهم قرار داد. هم‌زمان با بالا رفتن میزان ناامنی در ایالت‌ها، دولت انگلیس نه تنها تقاضا داشت بلکه اصرار نیز می‌ورزید که دولت ایران برای حفظ جریان تجارت و بخصوص در

ناحیه جنوب کشور، به تشکیل نوعی نیروی نظامی مبادرت کند. این اقدام انگلیس که پشتیبانی روسیه را نیز در پشت سر داشت، پرداخت هرگونه وام مالی را در آینده مشروط به تشکیل نیرویی می‌کرد که بتواند نظم را در جاده‌های جنوب برقرار کند و حتی تهدید می‌کرد که در صورت عدم انجام چنین امر مهمی، خود رأساً دست به تشکیل آن خواهد زد.

ضرورت یک چنین ارتشی، توسط کابینه جدید پس از استقرار نظام مشروطیت در سال ۱۲۸۸ ش، به صدارت سپهبدار اعظم و سردار اسعد بختیاری (که پست وزارت جنگ را برعهده داشت)، احساس شد و در پیشنهادات ریشه‌ای مندرج در برنامه ارائه شده هیئت وزیران به مجلس در تاریخ ۸ آذر ۱۲۸۸ ش، بازتاب یافت. در این راستا، دولت در وهله اول سعی کرد تا روح تازه‌ای به کالبد بقایای متزلزل و درهم‌ریخته «پیاده‌نظام» و «امنیه» که هنوز در تهران خودنمایی می‌کردند، بدهد؛ ولی اتخاذ این استراتژی حاصلی دربر نداشت. با تشکیل کابینه مورد حمایت دموکرات‌ها (تیرماه ۱۲۸۹ ش)، به رهبری مستوفی‌الممالک، افکار عمومی متوجه برنامه جدیدی شد که مبتنی بر تشکیل یک نیروی امنیتی داخلی تحت نظارت افسران خارجی بود. این نیرو به «ژاندارمری دولتی»^[2] شهرت یافت. دموکرات‌ها آشکارا و به‌طور مکرر گفته بودند که یکی از هدف‌های اصلی آنان سازمان‌دهی ارتشی است که نقشی در انجام اصلاحات مالی، تقویت قدرت مرکزی و اخراج نیروهای بیگانه ایفا نماید.

دولت ایران در طول چند سال بعد نیز همچنان امیدوار بود که قشون منظم کشور را تجدید سازمان بخشیده و به‌طور مرتب اصلاحات موردنظر خود را تحت نظارت افسران خارجی اعمال نماید، ولی موفقیت ژاندارمری دولتی از اهمیت این امر کاست. گرچه در چارچوب کلی انجام اصلاحات در نیروی نظامی اساساً وجه تمایزی بین تجدید ساختار قشون و نیاز به تشکیل نیرویی